

بقلم دکتر محمد حسین موسوی

داوری و دادرسی بین‌المللی

برخوردهای کوچک محلی بین قبایل و ملل مختلف از همان اعصار بسیار قدیم فکر حل اختلافات بطور مسالمت آمیز و بالنتیجه روش وساطت و داوری را ایجاد کرده است. بقول پروفیسور سل Scelle داوری بین جهانیان مانند خودچپان کهنه و باستانی است. بیست و پنج قرن پیش کنفوسیوس ضمن بیان مقام و اختیارات امپراطور چین بدآوری بین‌المللی اشاره کرده حکمیت و وساطت در اختلافات بین دول را در حدود صلاحیت امپراطور چین قرار داده است.

از آن تاریخ در نظریات علمای حقوقی و اجتماعی فکر حل اختلافات بین دول بصور مختلف همواره دیده میشود. بنیاد گزاران حقوق بین‌الملل مانند گروسیوس Grotius سوارز Suarez ویتوریا Vitoria از قرن ۱۵ بعد بتکمیل این نظریات پرداخته اند، کم کم این مسئله مورد توجه زمامداران و رجال سیاسی هم قرار گرفته است. در قرن ۱۷ سلی Sally وزیر هانری ۴ لزوم اجتماع دائمی نمایندگان دول مختلف برای حل اختلافات بین آنها را پیش بینی و حتی قسم شهبازان

ضامن اجرای آن معرفی نموده است. - در قرن ۱۸ St. Pierre سن پیر، همان کسی که برای اولین بار فکر لزوم مجازات مجرمین جنک را بمیان آورد، ضمن بیان نواقص طرحهای علمای گذشته بتکمیل آنها پرداخته و حتی تعیین قضاات قبلی برای حل اختلافات بین ملل را پیش بینی کرده است - در قرن ۱۹ فکر دادرسی و داوری بین المللی تکامل بیشتر یافته و طرفداران زیادتری پیدا کرده است، کزارتوریسکی وزیر خارجه الکساندر اول روسیه تزاری طرفدار جدی عقد قرارداد و وضع مقررات خاصی بمنظور حل اختلافات بین دول بود. اتحادیه پارلمانها Union interparlementaire از سال ۱۸۸۹ رسماً موضوع حل اختلافات را مورد مطالعه دقیق قرارداد.

تأثیر افکار نامبرده و نظایر آنهاست که روسا و پیشوایان ملل را از قرون و اعصار گذشته بحل اختلافات خود از طریق داوری رهبری کرده است، حکمیت امپراطوران و پیشوایان مذهبی هنوز شهرت تاریخی خود را از دست نداده است و در صفحات تاریخ قرون وسطی همواره بچنین داورینها برمیخوریم. گرچه شیوع نظریه حاکمیت ملی و علاقه رؤسای ممالک بحفظ کامل سلطه خود چند گاهی مراجعه بدآوری را در طاق نسیان گذاشت ولی بعد از انقلاب فرانسه و آمریکا دنیا بار دیگر بلزوم داوری بین المللی برای جلوگیری از جنک توجه مخصوص نمود تا اینکه در سال ۱۷۹۴ در قرارداد Yay مابین انگلستان و ممالک متحده آمریکا شمالی بطور صریح اختلافات از طریق داوری قید گردید، از این تاریخ دیگر حکمیت معنی سابق خود یعنی وساطت و میانجی گری در اختلافات بین دول را از دست داد و بر پایه حقوقی استوار گشت، داوری بین المللی رنگ يك عمل قضائی بخود گرفت و حتی نظریات اینچنین داوران است که بعدها خود پایه های حقوق بین الملل عمومی را تشکیل داده است، اگر حل اختلافات بین هلند و بلژیک در ۱۸۳۱ بیک حل اختلاف سیاسی تعبیر شود، عمل کنفرانس پاریس در ۱۸۶۹ در مورد حل اختلاف بین عثمانی و یونان که باستناد اصول حقوق بین الملل

مداخله یونان را در کورت تقبیح کرد یک عمل قضائی است و بدآوری بین المللی تعبیر میشود. داوری آلاباما Alabama بدون تردید از صورت وساطت و میانجی گری خارج و بر پایه حقوقی بعمل آمده است. آلاباما نام کشتی آمریکائی بود، در جنگهای انفصال اتازونی امریکا، شمالی ها دولت انگلستانرا متهم کردند که بکشتی نامبرده که متعلق بجنوبی ها بود اجازه داده است که در بنادر وی مسلح شود، بموجب قرارداد ۱۸۷۱ واشنگتن، حکمیت امر بهیئتی مرکب از نمایندگان دول: سوئیس، ایتالیا، برزیل، آمریکا و انگلستان واگذار گردید. کمیسیون نامبرده داوری قضائی دقیق نسبت بموضوع معمول و نتیجه دولت انگلستانرا پرداخت پانزده میلیون ونیم دلار خسارت محکوم نمود.

داوری بین المللی سیر تکاملی خود را تا آغاز قرن بیستم بصورت مذکور طی میکرد. دعاوی قابل حل باداوری معلوم نبود، مراجع قضائی دائمی مطلق وجود نداشت، دور و یا دادرس و حدود صلاحیت او تعیین نشده بود، از ضمانت اجرائی احکام داوران هم که بطریق اولی گفتگویی نبود و بالاخره قوانین ومقررات مدون وجود نداشت. با آغاز قرن بیستم اقدامات موثرتری برای برطرف کردن نواقص فوق بعمل آمد. کنفرانسهای صلح لاهه در ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ بنیادگذار این کار بودند و جادارد که مطالعه داوری بین المللی بر پایه حقوقی از کنفرانسهای نامبرده شروع شود و ماینک بادرخواست معذرت از خوانندگان عزیز بعلمت طول کلام جریان کنفرانسهای نامبرده را در حدودی که مربوط بموضوع این مقاله است قید و سپس تکامل بعدی داوری، روش جامعه ملل سابق و بالاخره وضع موجود در کنار سازمان ملل متفق را بیان خواهیم کرد.

کنفرانسهای ۱۸۹۹-۱۹۰۷ لاهه

دنیای اواخر قرن ۱۹ متأسفانه همچون زمان حاضر ما با سرعت بی سابقه بسوی تسلیحات میشتافت بودجه‌های جنگی و تسلیحاتی هر روز رو به‌تزايد میرفت و نگرانیها واضطراب بشر هر روز بیشتر میگردید، پیشوایان ممالک بزرگ و رجال سیاسی ب فکر چاره افتادند، در سال ۱۸۹۸ دولت روسیه تزاری وخامت اوضاع بین‌المللی و لزوم تشکیل کنفرانس بمنظور حل اختلافات را بنمایندگان سیاسی مقیم پترزبورگ (لنین‌گراد) ضمن یادداشتی متذکر شد، این تذکر از طرف جهانیان با خوشبینی مخصوصی تلقی و بکنفرانس لاهه ۱۸۹۹ منجر گشت.

این کنفرانس که از لحاظ تاریخی بزرگترین کنفرانس جهان تا روز تشکیل آن بوده با شرکت تمام دولی که در پترزبورگ نماینده سیاسی داشتند در سال نامبرده در کاخ Maison de Bois لاهه تشکیل گردید. در ردیف نمایندگان دول آسیا قید حضور نماینده کشور ما هم در این کنفرانس بی‌مناسبت نیست.

حاصل کار کنفرانس عقد قراردادی است که بقرارداد اول صلح معروف و متضمن تعهدات و مسائل گوناگونی میباشد. باصرف نظر از مواد ۸ و ۲ قرارداد که حل اختلاف از مجرای سیاسی را توقیف و وساطت دول ثالث را برای حصول تفاهم بین طرفین دعوا توصیه مینماید، نسبت بدادرسی و داوری بین‌المللی هم این کنفرانس اقدامات قابل توجهی معمول داشته است.

ماده ۱۵ پیمان ۱۸۹۹ که بعداً ماده ۳۷ گنج‌نامه شده داوری بین‌المللی را چنین تعریف میکند: «موضوع داوری بین‌المللی حل اختلافات بین دول بوسیله قضات انتخابی آنان و بر پایه احترام حقوق است.» ایی تعریف از لحاظ تحول داوری حائز

کمال اهمیت است چه بعد از این تاریخ است که داورى قضائى از وساطت و میانجى گرى و بالاخره حکمیت سیاسى تفکیک میشود. حکم و حکمیت را از اختیار مدعیان نمایندگى خدا بر روی زمین یعنی امپراطوران و پاپها و سایر پیشوایان مذهبی خارج و بر عهده داوران بصیر و صلاحیتدار با حق انتخاب خود طرفین موکول و نظر داوران را بر پایه ها و موازین حقوقى مقید مینماید تا بجائى که در صورت اشتباه در رأى یا دسترسى بدلائل جدید نظریه آنها را قابل تجدید نظر تشخیص میدهد. بعلاوه پیشنهادات زیادى از طرف دول بمنظور داورى اجبارى در دعاوى بین دول داده شد لیکن تعصب شدید بعضى از دول باصل حاکمیت ملی و استقلال مانع بزرگى در راه قبول این پیشنهادات بود. بطوریکه میدانیم حقوق بین المللى قدیم برخلاف حقوق داخلى برای دول حق اجرای عدالت برای خود و بوسیله خود میداد، قبول داورى اجبارى در اختلافات بین دول این اصل را که همان پایه حقوقى جنگ شناخته شده تجدید و تبعیت دول را از سازمانى که غیر از دول و شاید مافوق آنها بود ایجاب میکرد.

با صرف نظر از نظریه بالا دو مانع بزرگ دیگر در کار قبول داورى اجبارى بود :

دول بزرگ راضى نبودند که با شناختن این اصل از قدرت و نفوذ خویش که معمولاً در موارد اختلاف برای حل آن از این قدرت بنفع خود استفاده میکردند و هنوز هم میکنند صرف نظر نمایند. برعکس دول کوچک ترس داشتند که دول بزرگ در بین داوران اعمال نفوذ کنند و نظریات خود را در لباس حق و باستناد رأى داوران بر آنها تحمیل نمایند. بنابراین از فکر حکمیت اجبارى صرف نظر و فقط هفت مورد از موارد اختلاف را که با منافع حیاتی دول تماس زیادى نداشت انتخاب نمودند که اختلافات منبث از موارد هفتگانه را اجباراً از طریق حکمیت حل نمایند. با اینکه این نظر با اکثریت قابل توجهى مورد تصویب کنفرانس فرار گرفت معذالك وجود عده اى از دول بزرگ در صف مخالفین اجرای آنها غیر ممکن نمود و ناچار بقید ماده ۱۶ قرارداد که

در کنفرانس ۱۹۰۷ بصورت ماده ۳۸ در آمد قناعت کردند. ماده نامبرده در مسائل حقوقی و اختلافات ناشیه از تفسیر و تطبیق قراردادهای بین المللی حکمیت را موثرترین وسیله برای حل اختلافات معرفی و تمایل خود را بمراجعه بان در صورت عدم امکان حل دعاوی از طریق مذاکرات سیاسی بشرطی که موقعیت ایجاب کند اعلام داشته است.

بطوریکه ملاحظه میشود بالاخره از حکمیت اجباری صرف نظر و بتوصیه مراجعه بدآوری فقط در موارد اختلافات ناشیه از تفسیر و تطبیق قراردادها و در مسائل حقوقی قناعت شده و در این موارد هم آخر ماده عدم امکان حل قبلی از طرق مذاکرات سیاسی و شرط رعایت موقعیت را قید کرده است. اینست نتیجه کنفرانس در زمینه توصیه برای مراجعه بدآوری ولی برای تسهیل این مراجعه و دوع اشکالات در تعیین داوران با استفاده از تجربیات اتحادیه پارلمانها به پیشنهاد سناتور بلژیکی دسکان Descamps بفکر دیوان دائمی دآوری افتادند، لیکن مخالفت نماینده آلمان (زورن Zorn) همچون اساس دآوری اجباری مانع پیشرفت این مقصود گردید و بالاخره باین نتیجه رسیدند که داورانی بمدت ده سال از طرف تمام کشورهای عضو کنفرانس معرفی شوند و اسامی شان در دفتر این داوران در لاهه قید گردید تا در مواقع لزوم دول با مراجعه بان داوران خود را انتخاب و حل اختلافات شانرا از آنها بخواهند و این تشکیلات و داوران را دیوان دائمی دآوری (C.P.A) نامیدند. پس دیوان دائمی دآوری لاهه که معروف جهانیان است از مستجدات کنفرانس اول صالح و عبارت از صورت اسامی قضاتی است که از طرف دول بعنوان دآوری بین المللی بدفتر دیوان نامبرده در لاهه معرفی شده اند.

توضیح این نکته بی مناسبت نیست که این داوران هرگز اجتماعی در لاهه نداشته اند

و ندارند و فقط بحسب موارد داوران منتخبه از بین آنان اجتماع و بمسائل مورد اختلاف رسیدگی مینمایند و این فقط بدفتر دیوان دائمی دآوری است که بطور دائم در لاهه تشکیل و از اجازت

اداری تحت نظر وزیر خارجه هلند اداره میشود.

پس از لحاظ مقاله مورد بحث ما کار کنفرانس اول صالح : تعریف داوری، توصیه مراجعه بآن بالاخره ایجاد دیوان داوری بشرح فوق میباشد.

نتایج عملی که در این کنفرانس گرفته شد اینست که اولاً در موارد اختلاف متعدد دول بدیوان مذکور مراجعه و اختلافات خود را از طریق داوری حل کردند بعنوان مثال اولین داوری این دیوان در سال ۱۹۰۲ در اختلاف بین اتازونی آمریکا و مکزیک را میشود نام برد. ثانیاً با اشاعه فکر داوری اجباری دول متعدد قراردادهای خصوصی مبنی بر مراجعه اختلافات بحکمیت اجباری منعقد کردند بعنوان مثال قرارداد ۱۹۰۳ انگلستان و فرانسه و ۱۹۰۴ فرانسه و ایتالیا قابل ذکر است.

باینهمه باید متذکر شد که متأسفانه نتیجه قطعی یعنی جلوگیری از جنگ با حل اختلافات از طریق مذکور حاصل نگردید و هنوز چند ماهی از پایان کنفرانس نگذشته بود که جنگهای آفریقای جنوبی و سپس جنگ روس و ژاپون آغاز شد و در این اختلافات یا اساساً موضوع مراجعه بدیوان مذکور مطرح نشد و یا پیشنهادات مربوطه مورد توجه قرار نگرفت.

کنفرانس در پایان کار خود مطالعات بعد در زمینه مسائل مطروحه در این کنفرانس را توصیه کرده بود بنابراین در ۱۹۰۷ مجدداً موضوع مورد توجه دول قرار گرفت و کنفرانس مجددی از نمایندگان تقریباً همان دول در لاهه تشکیل گردید که بنام کنفرانس دوم صالح معروف است.

بقیه دارد